

تأیید حکم اعدام پنج زندانی سیاسی در اصفهان این احکام باید متوقف و لغو شوند!

محرومیت میلیونها دانش آموز از تحصیل

صفحه ۴

سعید یگانه

این دنیای وارونه را باید از قاعده بر زمین گذاشت!

صفحه ۵

ملکه عزتی

فقر و فلاکت و وحشت جمهوری اسلامی از سرنگونی

صفحه ۶

نادر شریفی

کدام آبان؟!

صفحه ۸

جاوید حکیمی

تراژدی بعد از تراژدی سهم پناهجویان در این جهان وارونه

صفحه ۹

سعید آرمان

دولت را
موظف کنیم!

زنده باد شوراها!

سیاوش دانشور

کمونیست هفتگی میبرسد!

۵۷۰
مصلحتی
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۳۰ آبان ۱۳۹۹ - ۲۰ نوامبر ۲۰۲۰

اپوزیسیون راست

نوری در انتهای تونل؟

شکست دونالد ترامپ در انتخابات آمریکا، امیدهای اپوزیسیون راست پرو ترامپ را به یاس تبدیل کرد. با سقوط ترامپ نژادپرست، عمارت تخیلات ساده اندیشانه اپوزیسیون راست نیز فرو ریخت و توهمات چلبی ها و آنسوان سوچی های ایرانی دود شد و هوا رفت.

ترامپ قصد نداشت جمهوری اسلامی را سرنگون کند و صریحا خواهان تغییر رفتار رژیم و یک "معامله خوب" با آن بود. اما اپوزیسیون بورژوائی مذهبی و ناسیونالیست و فدرالیست، در سیاست "فشار حداکثری" ترامپ نه اهداف بارها اعلام شده وی بلکه آرزوهای خود را تبیین و بیان میکرد. همانطور که جنبش ملی اسلامی در سیمای خاتمی آیت اله گورباچف و گلاسنوست را جستجو میکرد. این اولین بار نیست که آرزوهای ارتجاعی جریانات رژیم چینی و راست ناکام می ماند و قطعا آخرین بار نیز نخواهد بود. با پیروزی بایدن، جناح پرو رژیم اپوزیسیون راست فعالتر می شود، از سیاست اروپا و بازگشت جمهوری اسلامی به برجام و "تنش زدانی" سخن خواهند گفت و به لابیگری برای رژیم اسلامی مشغول خواهند شد. در سیاست فدرالیست ها و جریانات قومی و ناسیونالیست کرد، تکیه بر شق "مذاکره" با جمهوری اسلامی مکان قویتری

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اپوزیسیون راست نوری در انتهای تونل؟ ...

بقای نظام بر هر چیز مقدم است. رژیم اسلامی ناچار است مجاری تنفسی در اقتصاد و سیاست و دیپلماسی را باز نگهدارد تا بتواند به مصاف مسائل و جنبشهای واقعی در داخل کشور برود. دولت آمریکا و شرکای اروپایی نیز حفظ جمهوری اسلامی با تحمیل تعادلی به آن را به یک تحول انقلابی ترجیح میدهند. لذا مخالفین یک تحول انقلابی بستری وسیعی از بورژوازی را در برمیگیرد که علیرغم تناقضات و بعضا دشمنی باهم، منفعت واحد طبقاتی و ضد کارگری و ضد کمونیستی شان آنها را مجموعاً در مقابل امیال آزادیخواهانه و انقلابی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر قرار میدهد.

سیاست واقعی در ایران را نه این محاسبات فرصت طلبانه و منافع ارتجاعی بلکه خیزشهای کارگری و توده ای نوع آبانماه و بمراتب گسترده تر تعیین میکنند. آنهایی که دنبال "ناجی" بودند، بهتر است روی پای خودشان بایستند و به راه حل واقعی یعنی سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی متکی شوند. راه حل بحران سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در ایران که بسرعت به یک بحران انقلابی فرامیروید، تنها و تنها سوسیالیسم است. بورژوازی، با هر رنگ پرچمی و هر اختلاف درون طبقاتی و خانوادگی، راه حلی جز تداوم وضع موجود ندارد. نفی این اوضاع و مناسبات استثماری و حاکمیت استبدادی سرمایه، نفی خطر جنگهای فرقه ای و مذهبی و قومی و امپریالیستی، در گرو حضور قدرتمند جنبش رهانیبخش کارگری برای نابودی سرمایه داری و استقرار فوری یک دولت انقلابی کارگری برای اجرای برنامه طبقه کارگر برای آزادی جامعه است.

سردبیر.

پیدا می کند. اپوزیسیون راست ایران سنتاً روی الاکلنگ رژیم چینج و مذاکره با جمهوری اسلامی سیاست کرده است. این وضعیت رقت بار در اساس حاصل بی افقی و توهمات از یکسو و بی ربطی به کشمکش واقعی در ایران برای آزادی و برابری و رفاه از سوی دیگر است.

در این فضای دبیرشن سیاسی اپوزیسیون راست، نیویورک تایمز به نقل از چند مقام دولت آمریکا خبر داد که "دونالد ترامپ روز پنجشنبه ۲۲ آبان، طی نشستی در کاخ سفید از مشاوران ارشد خود پرسیده که آیا امکانی برای اقدام علیه سایت‌های هسته‌ای مهم ایران در هفته‌های آتی وجود دارد یا نه؟! این خبر ناگهان به جست و خیز موقتی میدان داد. نوری در انتهای تونل دیده شد که بیشتر شبیه سراب بود. اپوزیسیون راست فی الحال مثل تاجر ورشکسته است اما مضمحل نشده و هنوز هست و در چهارچوبهای دیگری در دفاع آینده سرمایه دارانه ایران علیه کارگر و کمونیسم تلاش خواهد کرد.

سپاهی ها هم که اینروزها از رئیس جمهور سپاهی و حکومت نظامی سخن می گویند، در واکنش به خبر نیویورک تایمز مجال یافتند ژست بگیرند و از "جنگ تمام عیار" بگویند. اما مستقل از لفاظی های جنگی، وقتی تهدید داخلی حکومت از سوی مردم بالا میرود، اصل

روز بین المللی مبارزه با خشونت علیه زنان
نوامبر
25th
November
International Day for the Elimination of Violence Against Women
از بی‌گناهان، بی‌گناهان، بی‌گناهان

برابری کلیه حقوق زن و مرد در خانواده در امر انتخاب محل زندگی، امور مربوط به سرپرستی و تعلیم و تربیت فرزندان، تصمیم گیری در مورد دارایی ها و اقتصاد خانواده و کلیه امور مربوط به زندگی مشترک.

لغو موقعیت ویژه مرد بعنوان سرپرست خانواده در کلیه قوانین و مقررات و انتقال حقوق مربوط به سرپرستی امور خانواده به یکسان به زن و مرد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمت
Worker-Communist Party of Iran - Hekmat

در آرمیداشت خیزش آبانماه
چهری باشه
چه آبان
ما نترکته آبان ماست
جمهوری اسلامی را باید سرنگون کرد

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمت
Worker-Communist Party of Iran - Hekmat

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعلامیه حزب حکمتیست

تأیید حکم اعدام پنج زندانی سیاسی در اصفهان این احکام باید متوقف و لغو شوند!



در سالروز آبان ۹۸ و کشتار بیش از ۱۵۰۰ نفر از جوانان و فرزندان ما، جنایتکاران اسلامی قصد دارند پنج نفر از زندانیان سیاسی در زندان اصفهان را بی سر و صدا اعدام کنند. آقایان؛ مهدی صالحی قلعه شاهرخی، محمد بسطامی، عباس محمدی، مجید نظری کندی و هادی کیانی بدنبال اعتراضات توده ای دیماه ۱۳۹۶ بازداشت شدند. آنها بعد از شکنجه های وحشیانه و پرونده سازی، با اتهام "قیام مسلحانه علیه حکومت" هر کدام به دو بار اعدام محکوم شده‌اند. این احکام توسط نهاد آدمکشان اعظم موسوم به "دیوان عالی کشور" تأیید شده است.

کل این ماجرا مبتنی بر دروغ و پرونده سازی با هدف انتقام از کارگران و مردم معترض است. تعیین مناسبت سالروز آبانماه نود و هشت برای اعدام این زندانیان خود افشاگر اهداف رژیم اسلامی است. بقول زنده یاد نوید افکاری "دنبال گردن برای طناب دارشان می گردند". این پنج نفر با شکنجه و اعمال فشار بازجوها، اتهاماتی را به پرونده شان الصاق کردند. نکته اینست که این جوانان اصولاً در رویدادهای دیماه نود و شش حضور نداشتند و یا در جریان آن دستگیر نشدند. متهمان به اعدام بنا به اخبار و نکات پرونده، حداقل یکسال و در موردی دو سال بعد از وقایع دیماه نود و شش بازداشت و زندانی شدند. واضح است رژیم جنایتکار اسلامی میخواهند خون بریزد، ارباب ایجاد کند و برای رسیدن به این هدف کثیف از مخالفین سیاسی با پرونده سازی تحت شکنجه قربانی می گیرد. نوید افکاری را با همین روش پرونده سازی و با سرعت اعدام کردند.

در اصفهان یکبار تلاش داخلی و بین المللی مانع اجرای اعدام سه جوان معترض در خیزش آبانماه به نامهای امیرحسین مرادی، سعید تمجدی و محمد رجبی شد. باید اینبار بسیار وسیع تر در داخل و خارج جنبش علیه اعدام برای توقف اجرای احکام اعدام این پنج زندانی سیاسی بمیدان بیاید. خانواده این زندانیان تهدید شدند که خبررسانی نکنید و یک نگرانی جدی اینست که مانند مورد نوید افکاری با سرعت این جوانان را اعدام کنند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مردم آزادیخواه و جنبش علیه اعدام در ایران و جهان را به یک عمل سریع و موثر فرامیخواند. به هر ابتکاری دست بزنید، جلوی زندان اصفهان، در شهرها، جلوی مجلس و هر جایی که میتوانید تجمع و اعتراض کنید. دیوارنویسی و خبررسانی و کمپین کنید. در سطح بین المللی ضروری است در تماس با نهادهایی ذریبط، رسانه ها، اعمال فشار و عمل ویژه و فوری صورت گیرد. مقابل سفارتخانه ها و کنسولگریها تجمع کنیم. نباید اجازه داد در سالروز آبان خونین که هنوز سرنوشت فرزندان ما نامعلوم است، قاتلین سریال اسلامی جان پنج جوان دیگر را بگیرند. هر کسی هر کاری که میتواند بدون معطلی باید انجام دهد. اعدام قتل عمد دولتی با هدف ارباب و سرریزیر نگهداشتن جامعه است. بپاخیزیم و مانع شویم این عزیزان را اعدام کنند.

#نه به اعدام

#اعدام_قتل_عمد_دولتی_است

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۲۹ آبان ۱۳۹۹ - ۱۹ نوامبر ۲۰۲۰

"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد".

محرومیت میلیونها دانش آموز از تحصیل

سعید یگانه

با گسترش شیوع کرونا، بسیاری از مدارس در ایران تعطیل و آموزش به صورت آنلاین و از طریق سامانه شاد "شبکه آموزشی دانش آموز" که وزارت آموزش و پرورش راه اندازی کرده است صورت می گیرد. از زمان راه اندازی این سامانه، بسیاری از دانش آموزان بخصوص در میان خانواده های محروم و کارگری به دلیل نداشتن توان مالی برای تهیه گوشی موبایل یا تبلت و اینترنت، مسئله آموزش به مشکلات عدیده این خانواده ها و فرزندانشان اضافه شده است. دولت هزینه تامین وسائل آموزش آنلاین را روی دوش اولیای دانش آموز گذاشته است. در این شرایط سخت اقتصادی، بیکاری و محرومیت و هزینه های سنگین معیشتی که مردم کارگر و زحمتکش بر دوش میکشند و با شیوع پاندمی کرونا سر به فلک کشیده است، خانواده ها باید به فکر تامین هزینه امکانات آموزش آنلاین دانش آموزان همچون گوشی هوشمند، تبلت و اینترنت در منازل برای آموزش فرزندانشان نیز باشند. تهیه این امکانات در این شرایط سخت معیشتی برای روستاها و حاشیه شهر و خانواده های محروم یا غیر ممکن است و یا به سختی می تواند صورت گیرد. نتیجه اینست که میلیونها دانش آموز بدلیل فقر و عدم پوشش اینترنتی محل زندگی شان از آموزش و ادامه تحصیل محروم شدند.

محرومیت از ادامه تحصیل بدلیل عدم دسترسی به وسائل آموزش آنلاین و ویران شدن دنیای کودک به عاملی برای اقدام به خودکشی در میان دانش آموزان تبدیل شده است. در این مدت اخبار ناگوار شش مورد خودکشی دانش آموزان در شهر رامهرمز و یک دانش آموز ۱۱ ساله به اسم محمد موسوی زاده اهل بندر دیر در استان بوشهر در روزنامه ها و شبکه های اجتماعی منتشر شد که واکنشهای زیادی را برانگیخت. مسئولین محلی و نمایندگان مجلس ابتدا بیشرمانه آن را تکذیب کردند و در صدد برآمدند که این اتفاقات دلخراش را به مشکلات دیگری نسبت دهند. اما نهایتاً بعد از تکذیب ها استاندار خوزستان ناچار شد شش مورد خودکشی که دو مورد آن به مرگ منجر شده است را تأیید کند. کسی از حال و روز میلیونها دانش آموز در روستاها و مناطق محروم و فاقد امکانات ابتدائی خبر ندارد. بیشرمی اداره آموزش و پرورش جمهوری اسلامی تا این حد پیش رفت که در اوایل شیوع کرونا، تامین هزینه مواد بهداشتی و ضد عفونی در مدارس را نیز به پای خانواده دانش آموزان گذاشتند که بدنبال اعتراض ها ناچار شدند دست از این اخاذی بردارند.

بنا به آماري که مجلس ارائه داده است نزدیک به ۴ میلیون دانش آموز امکان دسترسی به تبلت و یا گوشی هوشمند ندارند و یا از داشتن اینترنت در منازل خود برای حضور در آموزش آنلاین محرومند. یعنی از ۱۵ میلیون نفر دانش آموز در سال تحصیلی جدید، ۲۵ درصد آنان به دلیل فقر مالی از کلاسهای درس در دنیای مجازی محروم می باشند.

آمار دانش آموزان محروم باید بیشتر از آماري باشد که در رسانه ها عنوان می شوند، اما قبول همین چهار میلیون آمار رسمی دولتی بیانگر یک فاجعه است. این علاوه بر مشکلاتی است که در طول حاکمیت جمهوری اسلامی همیشه مسئله آموزش از جمله تامین هزینه شهریه، کتاب و غیره مشکل خانواده های کارگری و محروم بوده است. قبلتر هزاران کودک

خیابانی و کارتن خواب و کودکان مناطق محروم و دورافتاده و کودکان مهاجرین افغانستانی از نفس آموزش و مدرسه رفتن محروم بودند. پاندمی کرونا و عدم قبول هر نوع مسئولیت از جانب دولت، به فقر و بیکاری و مشقات مردم افزوده است و محرومیت از تحصیل چهار میلیونی به آن اضافه شده است.

دولت مسئول تامین معیشت، سلامت و آموزش رایگان است

جمهوری اسلامی در این شرایط که روزانه صدها نفر جان خود را از دست می دهند و مردم با مشکلات معیشتی و تهدید سلامتی روبرو هستند، نه تنها اقدامات جدی در جهت سلامت و بهداشت و تامین معیشت مردم انجام نمی دهد، بلکه خود به یکی از عاملین شیوع و گسترش این اپیدمی، نا امنی و وخیمتر کردن زندگی مردم تبدیل شده است. مدارس و محل کسب و کار را تعطیل می کنند بدون اینکه این مردم مورد حمایت مالی قرار بگیرند و تسهیلاتی در اختیار آنان قرار بدهند. بیمارستان به محل اخاذی از بیمار تبدیل شده است. گسترش ویروس کرونا و سواستفاده حکومت و سرمایه داران و سودجویان، مشقات زندگی مردم را غیر قابل تحمل کرده است.

دولت در هر جامعه ای بنا به تعریف مسئول تامین معیشت، سلامت و آموزش رایگان است و موظف است که به این نیازها رسیدگی کند. اما جمهوری اسلامی که همه امکانات اقتصادی کشور را در اختیار دارد و بر دریایی از ثروت نشسته است، اولویت آن نه پاسخ دادن به این نیازهای پایه ای، بلکه دزدی و اختلاس و تامین بودجه سازمانهای نظامی و دستگاههای سرکوب و خرافه برای حفظ بقای خویش است. مدتهاست که سرنگونی این جنایتکاران اسلامی به انتخاب مردم کارگر و زحمتکش و نسل جوان و محروم جامعه ایران تبدیل شده است. مبارزات کارگری و اعتراضات توده ای ضروری است روی تامین این خواستههای پایه ای و همگانی و متحد کننده متمرکز شود. این تنها راه عقب راندن جمهوری اسلامی و یک عامل مهم در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و خلاصی از این جهنمی است که رژیم سرمایه داری اسلامی برای اکثریت مردم رنجیده ایران بوجود آورده است.

۱۹ نوامبر ۲۰۲۰

کمونست را بخوانید و به دوستانتان معرفی کنید!

اعدام قتل عمد دولتی است!



این نظام بانوی و مسبب مشقات مردم است. مسئول خودکشی جوانان و نوجوانان و کارگران این نظام است. خودکشی برای محروم شدن از مدرسه، نداشتن یک تلفن، گرسنگی، اخراج از کار، فشارهای فرهنگی و اسپرگا در خانواده و جامعه، امری "عادی" نیست. اینها از یک فروپاشی اجتماعی و سقوط ارزش جان انسانها خبر میدهند. کسی هم خود را پاسخگو نمیداند، انگار حق این

مردم نگون بخت بیشتر از این نیست، انگار برای مردن به دنیا آمده اند! نمونه تازه این وضعیت فجیع کارگر ساختمانهای اهل کرمانشاه است که بدلیل قطع بیمه بیکاری خود را به آتش میکشد. دیدن این صحنه آنچنان دردناک و سخت است که زبان از بازگویی آن قاصر میشود. این در شرایطی است که اخبار اختلاس و دزدیهای نجومی و ریخت و پاش حکومتی ها و نکبت زاده هایشان آنطرف سکه گرسنگی و خودکشی است. برای تداوم این وضعیت، تلاشی عظیم با سرمایه گذاری سرسام آور جهت جدا کردن سرنوشتها از هم، ممانعت از اتحاد این توده عظیم کارگر و زحمتکش و ایجاد تفرقه و تنش میان آن در جریان است. اشاعه خرافات دینی و مذهبی، تحمیل جنگ و آوارگی، تبلیغات و تحریکات قومی و مذهبی و فاشیستی، در مقابل هم قرار دادن انسانهایی که هیچ منفعتی از این جنگ و دشمنی ها ندارند، یک وظیفه تعطیل ناپذیرشان است.

در این نظام کارگری که برای حقوق معوقه و بیمه بیکاری مبارزه میکند، به فقدان ایمنی محل کار اعتراض دارد، تن به استثمار قرون وسطایی نمیدهد و حرمت و کرامت انسانیش را اعاده می کند، سر و کارش با پلیس و یگان ویژه و زندان و شکنجه می افتد. برایش سناریوهای سوخته می سازند تا مجبورش کنند بر اتهامات واهی و احکام کیلویی زندان صحنه بگذارند. در همان حال سرمایه دار دزد و اختلاسگر و شارلاتان از امتیازات ویژه و محافظت قانونی برخوردار است که مهمترین وظیفه اش مراقبت و دفاع از سیستم موجود است. در این مناسبات وارونه و بشدت نابرابر است که خبرنگار-بازجو شاکای زندانی آزادیخواه می شود. در این نظام آمنه سادات ذبیح پور بازجو- خبرنگار صاحب حق است و علیه سپیده قلیان دختر معترضی که علیه بیحقوقی کارگران اعتراض کرده، پرونده باز میکند.

در آبان ۹۸ مردم کارگر و زحمتکش خسته از اینهمه ستم و سرکوب و در منگنه فقر و گرانی، به خیابان آمدند و خشم فروخته را با "جمهوری اسلامی نمیخوایم، نمیخوایم" فریاد زدند. پایه های قدرت اسلامی و نمادهای مذهب و سرمایه را مورد تعرض قرار دادند و با ارگانهای سرکوب وارد جنگ خیابانی شدند. حاکمیت اسلامی وحشت زده از خیزش توده ای، با کشتن صدها تن و بازداشت هزاران نفر مردم معترض را سرکوب کرد. اما نفرت و خشم مردم نه تنها فروکش نکرد بلکه عمیق تر و جدیتر شد. بدون تردید مردم کارگر و زحمتکش منجر از این اوضاع وخیم، با آثانی دیگر و خیزشهای دیگر به عمر ننگین این حکومت خاتمه خواهند داد. این وضع قابل ادامه نیست و باید تغییر کند، تصمیم و عزم جنبش طبقه ما بر اینست که جامعه وارونه کنونی را از قاعده اش بر زمین بگذاریم!

این دنیای وارونه را باید از قاعده بر زمین گذاشت!

ملکه عزتی

در دنیایی که پول و ثروت و تعلقات طبقاتی نقش تعیین کننده ای در برخورداری از امکانات و مزایای زندگی دارد، همه چیز به همه کس تعلق نمیگیرد. آموزش و امکانات تحصیلی، خانه و محل سکونت، لباس و خوراک، لذتهای زندگی و حتی هوا و آب هم به یکسان بین همه تقسیم نمیشود. در حلبی آبادها و حاشیه نشین های کلان شهر تهران و در محلات ثروتمند نشین همان شهر، دو دنیای متفاوت با دو نوع آب و هوا وجود دارد. درد و رنج و محنت روزانه از مناطق مشخصی به بعد اجازه ورود ندارند، همچنانکه شادی و رفاه، خوشبختی و سعادت. دره عمیقی بین فقر و ثروت، بین دنیای طبقات دارا و ندار وجود دارد. شرایط مشقت بار زندگی اکثریت عظیم جامعه گواه این مدعاست. آنهایی که بدلیل کمبودهای متعدد و حتی موری در زندگی خودکشی میکنند، آنهایی که قادر به تامین مایحتاج روزمره زندگیشان نیستند و هر روز با دست خالی و شرمسار باید به منزل برگردند، هیچ قربانی با اقلیتی که ثروت و رفاه زندگیشان به قیمت فلاکت اکثریت مردم بدست آمده ندارند. نظامی که در آن اقلیتی ناچیز، با تکیه بر ابزار قدرت، ماشین سرکوب و اشاعه خرافه؛ اکثریتی عظیم را به اسارت کشیده است. در این نظام هیچ چیز بر قاعده اش استوار نیست.

منطق حاکم بر مناسبات سرمایه داری در همه جا تحصیل سود بیشتر و هزینه کمتر است. در این میان و برای رسیدن به این درجه از سودآوری آنچه که قربانی میشود زندگی، سلامت، سعادت و آینده تولید کنندگان ثروت اجتماعی است. این نظام تنها به تشدید استثمار و سرکوب سیاسی متکی نیست، ایدئولوژی یک رکن مهم توجیه این وضعیت است. هر مانعی برسر راه بسط سرمایه وجود داشته و دارد بناچار کنار میرود اما در عین حال استفاده از هر ابزاری برای سرپا نگهداشتن این مناسبات مبتنی بر نابرابری و تبعیض مجاز است. دین و خرافه، ملیت و قومیت، تبعیض براساس جنسیت، ایجاد شکافهای کاذب میان مردم، از ابزارهای رایج تداوم سلطه طبقات حاکم هستند. مرزهای جغرافیایی و محل سکونت هم نقش تعیین کننده ای ندارد. از دولتهای به اصطلاح دمکرات تا دیکتاتوری های عربی بورژوائی، منطق عام سلطه این اقلیت ناچیز با درجاتی از شدت و ضعف همه جا یکسانند.

از ریودوژانیرو تا تهران کودکان کار برای تامین زندگی خود و خانواده ناچار به دستفروشی، زباله گردی و انجام کارهای سنگین میشوند. زنان برای سیر کردن شکم کودکانشان تن فروشی میکنند و مورد تجاوز و خشونت و تحقیر قرار میگیرند. تحت این مناسبات بشدت خشن و ضد بشری است که محسن محمدپور کارگر ۱۷ ساله اهل خرمشهر تنها با دو دست لباس برای پیدا کردن کار و تامین زندگی و معیشت خود و خانواده اش به تهران میاید و در آبان خونین ۹۸ با شلیک مستقیم گلوله مزدوران رژیم اسلامی به قتل می رسد. ۱۵۰۰ جان شیفته را گرفتند تا حکومت جنایتکار اسلامی موقتا سرپا بماند.

فقر و فلاکت و وحشت جمهوری اسلامی از سرنگونی

نادر شریفی

وضعیت اسفبار و وخیم معیشتی در ایران از قرار بر کسی بجز حکومتگران اسلامی پوشیده نیست! وضعیت واقعی زندگی امروز کارگران و طبقه زحمتکش بشدت سخت و غیر قابل ادامه است. گرسنگی و بی خانمانی و بیحقوقی اجتماعی، حداقل سه پیامد بارز حاکمیت عنان گسیخته سرمایه داری جمهوری اسلامی است. دزدیهای میلیاردی و فساد طبقه حاکم که با حمایت کامل نظام اسلامی انجام میگیرند، در کنار تحریمهای اقتصادی و تجاری که مستقیماً وضعیت معیشت طبقه زحمتکش جامعه را هدف قرار میدهند و پاندمی کرونا که سایه شوم خود را در سراسر کشور گسترانیده است، وضعیت غیرقابل تحملی را برای طبقه کارگر ایران بوجود آورده اند. فقر و گرانی، بیکاری در کنار سقوط هزار درصدی تومان تنها در طی هفت ساله گذشته باعث شده که مواد غذایی و میوههای فصلی از سفره حتی "طبقه متوسط" جامعه حذف شود. مواد غذایی، کالاهای مورد نیاز و امور خدماتی نسبت به قبل از عروج پاندمی کرونا دستکم دو برابر افزایش قیمت یافته اند. فشار معیشتی و کمبود و گرانی سرسام آور دارو و درمان و وسائل بهداشتی، حداقل ۷۰٪ جامعه را به ورطه فقر شدید رانده است. در کنار همه اینها گرانی ۵۰-۶۰ تا ۱۰۰ و ۳۰۰ درصدی اجاره بها طی یکسال گذشته، حداقل بیست میلیون کارگر و زحمتکش در ایران را حاشیه نشین، مغازه خواب، پشت بام خواب، بی خانمان، خیابان خواب، و حتی گورخواب کرده است.

با گسترش عمومی فقر و فلاکت در جامعه، اعتصابات کارگری و ناراضیاتی عمومی کل جامعه را درخود گرفته است. بر اساس آمار منتشر شده حداقل خط فقر در تهران ۹ میلیون تومان تخمین زده شده است در حالی که حداقل دستمزد کمتر دو میلیون تومان اعلام شده است. از کارگران هفت تپه تا کارگران آب و فاضلاب در خوزستان، از رانندگان کامیون تا کارگران نیروگاه تولید برق رامین اهواز، از کارگران شهرداریها تا کارگران پیمانکار پتروشیمی ها و بسیاری از مراکز کارگری بزرگ و کوچک، هر روز شاهد اجتماع و اعتصاب در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ها و مزایای معوق و خواستههای دیگر هستیم. فضای عمومی جامعه علیرغم عامل بازدارنده پاندمی کرونا ضد حکومتی و بسیار متحول است.

دولت روحانی هم در این میان برای سلب مسئولیت از خود و نظام ضد کارگر اسلامی، ریشه گرانی ها را تحریم های اقتصادی بین المللی بخصوص آمریکا میدانند! چیزی که بغیر از لاقیدی مژمن حکومت به وضعیت اسفبار مردم محروم چیزی را نشان نمی دهد. در کنار بیکاری، گرانی، شیوع پاندمی کرونا، دزدیهای میلیاردی "مدیران" و سرمایه داران موسوم به "کارساز" حکومتی و در راس آن خانواده خامنه ای و مافیای سپاه، وضعیت معیشتی بخش اعظم جامعه را وخیم تر کرده است.

رشد سعودی ابتلای حتی کودکان به ویروس کرونا، وضعیت قرمز اعلام شده تقریباً تمامی شهرهای ایران، حداقل یک و نیم میلیون مبتلا به ویروس کرونا (بنابر گفته های دست اندرکاران در حکومت، آمار رسمی را باید حداقل ضربدر دو کرد!) باعث نشده که دولت کارخانه ها و صنایع کشور را تعطیل اعلام کند. گویی در جمهوری اسلامی، کارگران و زحمتکشان کرونا نمیگیرند و



این فقط کارمندان و اصناف هستند که "شاید" کرونا بگیرند! رئیسی، سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا با اشاره به این که به هیچ وجه کارخانهها تعطیل نمی شوند، میگوید: "افراد شاغل در کارخانهها شامل محدودیت های حضور یک سوم یا یک دوم نمی شوند". طی روزهای گذشته دولت روحانی همچنین رفت و آمد در مناطق قرمز ایران از ساعت ۲۱ تا ۴ صبح را ممنوع اعلام کرده است که بنظر می آید اعلام ممنوعیت رفت و آمد بیشتر اعلام یک نوع حکومت نظامی برای پیشگیری از اعتراضات اجتماعی باشد تا مقابله واقعی با شیوع هرچه بیشتر ویروس کرونا. یک دستفروش با روبرو شدن با اعلام ساعات ممنوعه میگوید: "حاضرم کرونا بگیرم اما زن و بچهم گرسنه نمائند. یک شب بساط نکنیم نان برای خوردن نداریم". روشن است دولت باید برای قرنطینه و یک مقابله موثر با پاندمی باید هزینه معیشت و سلامت جامعه را بعهده بگیرد.

متأسفانه کرونا در کنار ضربات سنگین جانی تنها با خود مشکلات اقتصادی و بیکاری به همراه نیآورده است. افسردگی و حملات هراسی در حال حاضر از جمله نتایج گسترده عروج پاندمی کووید ۱۹ در جامعه هستند. هزینه ها سرسام آور شده اند. ترس از دست دادن شغل، بیکاری و بی خانمانی، عدم امکان پرداخت اجاره، هزینه های درمانی و ... بر دوش طبقه کارگر ایران در کنار سرکوب و فضای نظامی، اعدام جوانان و زندانی و شکنجه معترضین، جامعه را به سمت انفجارهای غیرقابل پیش بینی رانده است که سقوط جمهوری اسلامی تنها می تواند بخش کوچکی از آن را تعریف کند.

در این دوران حکومت گران با تعرض بیشتر و همه جانبه تر به مردم "امیدوارند" که از یک طرف بتوانند جامعه را مهار کنند و از طرف دیگر برای آمادگی در فرار، چپاول و اختلاس و خروج سرمایه جامعه به حسابهای شخصی در بانکهای آمریکا و اروپا سرعت بخشیده اند. "کارسازان"، "مدیران" و فاسدان نظام اسلامی با وجود پرونده های قضائی سنگین مشغول تاراج و فروش جامعه اند. امضای قرارداد میان سپاه و مهدی جهانبگیری یکی از این نمونه هاست. تحت نام "طرح توسعه مجتمع صنعت فولاد بناب" با گردش مالی دهها هزار میلیارد تومانی در شرایطی با مهدی جهانبگیری برادر اسحاق جهانبگیری معاون اول حسن روحانی با مافیای سپاه امضاء می شود که او به عنوان یکی از افراد فاسد دستگاه حاکمیت با پرونده فساد اقتصادی و اداری روبروست. خارج از اینکه فاسدان دست اندرکار در نظام اسلامی اسم خود را اصولگرا و یا اصلاح طلب بنامند، عضو دستگاه مافیای سپاه پاسداران باشند و یا به خاندان خامنه ای و بقیه دستگاه آیت الله دزدان ربط داشته باشند، از یک طرف عمارتها و رقمهای

فقر و فلاکت و

وحشت جمهوری اسلامی از سرنگونی ...

موسولینی و نازیستی آلمان هیتلری قابل مقایسه می باشد. جمهوری اسلامی سال گذشته بیش از ۱۵۰۰ جوان را تنها در چند روز قتل عام کرد. کسانی که به یاری زخمی شدگان شتافته بودند را کشت و حتی چهار میلیون و نیم میلیون تومان "گرامت" گرفت تا جنازه کشته شدگان را تحویل خانواده های آنان بدهد. مجروحین را از تختخوابهای بیمارستانها بکسره به روی تختهای شکنجه فرستاد. این اما پایان ماجرا نبود و نخواهد بود. با وجود کشتار غیرقابل باور در آبان ۹۸، با وجود دستگیری و شکنجه بیش از هشت هزار نفر معترض و صدور احکام اعدام برای تعدادی از آنان، این نظام بربریت اسلامی است که در سالروز قیام آبان وحشت کرده است. این حکومتگران و آدمکشان نظام بربریت و ترورند که خواب خوش ندارند و از ترس سرنگونی به خود می پیچند. چرا که نه! یک جامعه در کمین این آدمکشان نشسته است، تا اینکه جمهوری اسلامی را در کلیت سرنگون و تمامی عوامل اش را به دادگاههای عادلانه خودش بسپارد. تا آن زمان از پای نخواهد نشست! امروز سرنگونی جمهوری اسلامی محتمل تر از هر دوره ای از عمر ننگین این نظام بربریت است.

#مرگ بر جمهوری اسلامی

#کدام آبان

#روایت آبان خونین

#آبان ادامه دارد

بانکی سر به فلک می کشد و از طرفی دیگر خانه های کلوخی برسر کارگران و زحمتکشانی که در این جامعه دهها سال کار و زحمت کشیده اند، خراب و یا از آنجا به خیابان پرتاب میشوند. حیرت آور نیست که در این میان دختران جوانی که آینده ای در این نظام نمی بینند، خود را از پلها پرتاب میکنند، خانواده های جوان دستجمعی دست به خودکشی میزنند، کودکان محروم از درس خودکشی می کنند، خانواده ها حاضرند حتی با به خطر انداختن جان نوزادان خود از جهنم جمهوری اسلامی با قایقهای شکسته برای رسیدن به محیط امنی از ایران اسلامی فرار کنند. اینها توصیف کوچکی از زندگی در جهنم جمهوری اسلامی است.

در سالروز قیام آبان، در سالگرد قتل عام در نزارهای ماهشهر، در سالروز اعتراضات آبان ماه برای نان، حق معیشت و آزادی، نیروهای مسلح مزدور و آدمکش جمهوری اسلامی برای کشتار دوباره زحمتکشان، جوانان و آزادیخواهان معترض در کوچه و معابر عمومی شهرها مستقر شده اند. سال گذشته جمهوری اسلامی با قساوتی که در کشتار جوانان نشان داد، یکبار دیگر ثابت کرد که جمهوری اسلامی با جانی ترین نظامهای شناخته شده جوامع بشری همانند حکومت فاشیستی

تراژدی بعد از تراژدی، سهم پناهجویان در این جهان وارونه ...

امامان جماعت تان مردم را از جهنم دیگری میترسانند.

و اما سخنی با جوانان:

جوانان عزیز! تردیدی در این نیست که یکایک شما از وجود رژیمی که هیچ سنجی با امیال و آرزوهای شما ندارد، به تنگ آمده و خواهان خلاصی از این اوضاع ناهنجار هستید. شما خوب بر این حقیقت واقف هستید که اقلیتی انگل کل قدرت در ایران را در دست خود گرفته و اقتصاد این کشور ۸۰ میلیونی را در انقیاد خود گذاشته است. گریز از این حقیقت تلخ راه به جایی نمی برد. شما که عمدتاً فرزند زحمتکشان جامعه هستید و برای ادامه تحصیل در کشوری پیشرفته تر تلاش می کنید و یا برای تامین زندگی خود و والدین تان در جستجوی یافتن کاری در یکی از کشورهای اروپایی هستید؛ اما متأسفانه در ورای این تصورات مسیر پر خطری از بدو حرکت تا مقصد آغاز خواهید کرد. در نوریدین دریاهاى موج با قایقهای خطرناک و ناامن، عبور از جنگلها و بازداشت توسط مامورین مرزی و یا ماندن در اردوگاههای پناهندگی فاقد هرگونه استاندارد انسانی از یونان تا قلب اروپا. جنگل کالاس زبانزد خاص و عام است. تاکنون بالغ بر ۱۰ هزار انسان در دریاها جان باخته اند.

سوال این است آیا ماندن و مبارزه کردن از به جان خریدن این همه ریسک بهتر نیست؟ آیا غیر ممکن است در محلات خود به شیوه سازمانیافته به مبارزه علیه رژیم فاسد و جنایتکار اسلامی برخیزید؟ مگر آبان ۹۸ را چه کسانی سازمان دادند و جمهوری اسلامی را به لرزه در آوردند؟ دشمن به خوبی به نیروی عظیم دهها میلیونی شما سازندگان فردا واقف است، کفایت متحد باشیم و سازمانیافته عمل کنیم. حزب حکمتیست ابزار جنگ طبقاتی شما علیه رژیم هار اسلامی سرمایه است.

تردیدی نیست این حق هر کسی است که نخواهد در آن جامعه بماند و جای دیگری را برای ادامه زندگی برگزیند. تردیدی نیست که ایران جامعه ای ناامن است. با فرض اینها، انتخاب ماندن یا طی این مسیر ناهموار با شماست. آنچه از دست ما در خارج کشور ساخته باشد از شما دریغ نخواهیم کرد.

جمعه ۲۰ نوامبر ۲۰۲۰

کدام آبان؟!

جاوید حکیمی

می گویند ملکه ماری آنتوانت وقتی صدای شورشیان گرسنه را مقابل کاخ ورسای شنیده بود با شگفتی از ملازمان خود پرسیده بود اینها چه می خواهند؟ گفتند نان! ملکه جواب داده بود؛ اینکه مشکلی نیست، اگر نان ندارند کیک بخورند! این تحقیر آشکار برای گرسنگان شورشی گران آمد و بر ملکه آن رفت که می دانیم.

در صحت نقل قول منسوب به ملکه آنتوانت تردید وجود دارد لیکن واکنش تحقیرآمیز دفتر خامنه ای نسبت به دادخواهان آبان کاملاً واقعی است. از خواهر یکی از کشته شدگان سوال می شود چرا شکایت کرده ای؟ جواب می دهد پیگیر قتل برادرم هستم که در آبان ماه کشته شد. با بی شرمی تمام می پرسند کدام آبان! وانمود می کنند چیزی از آبان خونین نمی دانند آنچنانکه ملکه فرانسه از قحطی زدگان هیچ نمی دانست. کدام آبان، کدام کشتار، کدام نیزارها؟ این فقط تحقیر معترضان و کشته شدگان نیست، این تمسخر یک جامعه است. "رهبر"، هزار مرتبه بی شرم تر و جنایتکارتر از ملکه است.

حکومت در آبان خونین بسان همیشه و اینبار سبعانه تر از پیش، معترضان را قتل عام نمود تا فریاد حق طلبی شان برای همیشه خاموش شود. در مقابل، آزادیخواهان تصویری تابناک از جانباختگان ترسیم کردند تا نام و یادشان در حافظه تاریخ و توده ها جاودان بماند. آدمخواران، محسن محمدپور این دانش آموز- کارگر را کشتند؛ نوجوانی که هجده سالگی را ندیده بود اما سیمای خسته اش تجربه پنجاه سال کار و زحمت را بازمی تاباند. آزادیخواهان، آن چشمان معصوم و آن نگاه زلال و غمگین محسن را در صدها و هزاران توثیت و ری توثیت جاودانه کردند. تا لحظه نگارش این سطور، هشتاد و هشتاد کلام آبان، در گرامیداشت نام و یاد جانباختگان دویست و سی و هفت میلیون بار بازدید و صد و هشتاد و پنج هزار بار توثیت و ری توثیت شده است. حالا دیگر کمتر پدر و مادر شریف و زحمتکشی هست که محسن را نشناسد و چون فرزندان خویش عزیز نشمارد. حالا دیگر محسن، آن کودک گمنام و غریب و تنها در پایتخت نیست. او اکنون فرزند دوست داشتنی تمام کارگران و زحمتکشان است. در این نبرد نابرابر برای حذف ستمدیدگان، حکومت اسلامی شکست سهمگین و خفت باری خورد.

آبان خونین آکنده از صحنه های غیرقابل تصور قساوت و جنایت است. گلنار صمصامی را مستقیم به جمجمه و آزاده ضرابی را به حنجره اش شلیک کرده بودند. فجیع تر از اینها قتل آمنه شهیازی است. او را در حالی از پشت سر و از ناحیه گردن مورد هدف قرار دادند که مشغول بستن شال خود به پای جوانی تیر خورده بود. به راستی یک مزدور چقدر باید هیولاصفت و قسی القلب باشد که همنوع خود و آن هم یک مادر را در چنین وضعیتی به قتل برساند! آمنه پیش از مرگ برای گرفتن دارو بیرون رفته بود، دارو شاید برای صامره دوازده ساله یا باران دختر چهار ساله اش. بچه ها دیگر هرگز مادرشان را نخواهند دید!

اما هولناکترین کشتار بیگمان در نیزارهای ماهشهر اتفاق افتاد. جایی که جوانان پس از یک مقاومت قهرمانانه بالاخره ناگزیر به عقب نشینی و پناه بردن به درون نیزارها می شوند. شاهدان عینی می گویند معترضان را در حالی که قصد تسلیم و خروج از نیزار داشتند با تیربار و دوشکا به رگبار می بندند. حتی تماشای این کشتار دهشتناک

در فیلمها نیز از عهده انسان طبیعی خارج است. وقتی یک حکومت تمام پایه های ضروری هستی خود را از دست می دهد، لاجرم جز با سرکوب و کشتار، جز به اتکای مزدورانی هیولا صفت و تهی از عقل و عاطفه نمی تواند بر مسند قدرت بماند.

انقلابات البته زمینه های اجتماعی و عینی خود را دارند با این همه لحظه وقوع و جرقه نخستین شان، اغلب با تحقیر آشکار توده ها همراه بوده است. سکینه احمدی مادر ابراهیم کتابدار را از هر کجا که برای تظلم و دادخواهی رفته بود بیرون می اندازند. مزدوران اطلاعاتی در پاسخ به سوال کاملاً برحق این مادر که پسرم را چرا کشتید، بی شرمانه تر از پاسخ دفتر رهبری، می گویند "کشتیم که کشتیم، خوب کردیم!" آنگاه قلدرمآبانه مادر داغیده را امر به سکوت می کنند. مادر اما برعکس، سکوت یکساله خود را می شکند و اعتراضش را جهانی می کند. فریاد می زند که شما مرا بیرون انداختید و من گفتم که آبرویتان را می برم. گفتم شما را رسوای جهان می کنم. طغیان به حق سکینه احمدی اثبات کننده یک حقیقت نویدبخش است؛ اینکه دینامیزم خیزش انقلابی آبانماه علیرغم قلع و قمع خونین اش پابرجاست و ما داریم به نقطه انفجار مجدد جامعه نزدیک می شویم، نقطه ای که هر تحقیری می تواند به مثابه آخرین قطره سرریز کننده کاسه صبر توده ها باشد.

۱۹ نوامبر ۲۰۲۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده

ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه

ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و

فردا ارگان حاکمیت!

تراژدی بعد از تراژدی

سهم پناهجویان در این جهان وارونه

سعید آرمان



آنان سفارش داده‌اند و به مکانی امن انتقال داده شده‌اند.

سعید خطیب زاده بهتر از هر کس میدانم که این پناهجویان چرا از ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی می‌گریزند. چرا این همه خطرات را بجان می‌خرند و با جان خود بازی میکنند. سعید خطیب زاده سخنگوی وزارت توجیه جنایات

رژیم اسلامی در خارج از کشور است و طی سالیان متمادی چشم بر این حقیقت عیان پوشیده اند که چه عواملی خانواده ایران نژاد را به این سرنوشت تراژیک دچار کرد؟! کدامین وزیر و وکیل و آخوند و "آقا زاده‌ای" در دریای اژه و مدیترانه و دریاچه وان غرق شده‌اند؟ این چه رسمی است که دریاها هم از ضعیف‌ترین و سیه‌روزترین طبقات اجتماعی را به قعر خود میبلعد و برای همیشه داغ سنگینی را بر قلب عزیزانشان حک میکند؟

وزارت خارجه جمهوری اسلامی کور است و نمی‌بیند که میلیونها جوان ایرانی فارغ‌التحصیل از نبود کار رنج می‌برند و به سوی پدر و مادر کم‌درآمدشان دست دراز میکنند و روزه‌های برای تحقق رویاهایشان در ایران نمی‌بینند. سهم مردم زحمتکش ایران از این کشور سرشار از منابع طبیعی و زیر زمینی و نیروی کار چرا باید آوارگی و سرگردانی در دریای اژه و مرزهای بلغارستان و آلبانی و یونان و دریای مدیترانه و غرق شدن در آبهای اژه و مدیترانه و کانال مانس باشد؟ در همین کشور که سخنگوی وزارت خارجه‌اش در اوج وقاحت صحبت میکند و دلیل فرار موج موج انسانها را اغماض میکند، تروریستهای القاعده و حزب الله لبنان و هیئت‌های طالبان و غیره در خیابانهای تهران پرسه می‌زنند و با ماشینهای لوکس در تردد اند. هنگامیکه موساد مسئولیت کشته شدن فرد دوم القاعده در تهران را در هماهنگی با آمریکا برعهده میگیرد، جهان بیشتر متوجه می‌شود که سر این مار و حامی تروریسم اسلامی دولتیست که نان و امنیت مردم را گرو گرفته تا به اهداف شوم سیاسی خود برسد. دولتی که اعتراضات بحق توده‌های زحمتکشان و جوانان پر شور را در اوج شقاوت به خون میکشد، تنها در چند روز ۱۵۰۰ نفر را بقتل رسانده، هزاران معترض آبامه‌ار را به بند کشیده و شبانه روز نیروهای اوباش و مسلحان دست به ماشه و در کمین نشسته‌اند.

هنگامیکه رژیم اسلامی میلیاردها دلار را صرف ادوات جنگی و ارتزاق جریان‌های تروریستی و ساخت مراکز جهل و خرافه در منطقه و جهان میکنند، معلوم است که کولبر و انسان محروم یا در مرزهای ایران کشته می‌شود یا در دریاها غرق می‌شوند و یا به اسارت پلیس وحشی مصر در می‌آیند. سخنگوی وزارت خارجه رژیم ایران از خود نمی‌پرسد که چه کسی دوست دارد عزیزان زندگیش را جا بگذارد و توشه سفری نامشخص بر دوش نحیف خود حمل کند؟! و باز هم از خود نمی‌پرسد که صدها هزار فارغ‌التحصیل دانشگاه در این کشور که بختک اسلامی سرمایه بر آن چنگ انداخته چرا باید بیکار باشند و تا کی بیکار بمانند؟ چرا کارگران به خاطر عدم پرداخت دستمزدهایشان اقدام به خودسوزی و خودکشی میکنند و کودکان ۱۱ و ۱۳ ساله از فرط نداری خودکشی کنند؟ جناب سخنگوی وزارت کشور جلادان اسلامی، مردم از سر خوشی فرار نمی‌کنند. زندگی را به جهنم تبدیل کرده‌اید و ا

دریای مدیترانه در ماه‌های اخیر اشتباهی سیری ناپذیری را در بلعیدن پناهجویان آفریقایی از خود بنمایش گذاشت. ضجه مادر آفریقایی نجات یافته که فریاد میزد بچه‌ام، بچه‌ام، دیگر از یافتن بچه مایوس شدند. سرنوشت آرتین ۱۵ ماهه در دریای مدیترانه مجدداً برای کودکان آفریقایی رقم خورد. روزهای ۱۱ تا ۱۳ نوامبر در چهار حادثه دلخراش واژگون شدن قایقهای پناهجویان آفریقایی دستکم ۱۲۰ پناهجو در چند فقره جان جانشان را از دست دادند. تنها در یک قایق ۷۴ نفر جانباخته در نزدیکی سواحل لیبی. در دریای مدیترانه در سال جاری به گفته نهادهای بین‌المللی حدود ۹۰۰ نفر جانشان را از دست داد. این سرنوشت غم‌انگیز فراریان جهنم اسلامی ایران، عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و کشورهای آفریقایی که در زیر منگنه حکومت‌های فاسد و دیکتاتور قرار گرفته و نان و آزادی و امنیت را از آنان سلب میکنند و بناچار علیرغم عواقب غم‌انگیزی که برایشان بعضاً محرز است، باز خود را به آب و آتش میزنند.

۱۸ اکتبر ۲۰۲۰ قایق حامل ۵۵ پناهجوی ایرانی و کردستان عراق از ترکیه به سمت ایتالیا در آبهای مدیترانه در حرکت بود که روز ۲۱ اکتبر در اثر از کار افتادن موتور قایق و بعدها شکستن بادبان آن، قایق بطور کامل از کار افتاد و در میان امواج وحشی دریای مدیترانه دو روز بدون هیچ امدادسانی و تغذیه کافی دوام آوردند تا با خطر غرق شدن روبرو شدند و ناچار به تماس با پلیس شده و نزدیکترین نجات دهنده کشتی نیروی دریایی مصر بوده و آنها را به مصر انتقال داده‌اند.

از آنموقع تاکنون این پناهجویان مدتی در قرنطینه بوده و بعدها به مرکز پلیس الخلیفه واقع در قاهره مستقر و دو بار برای "امورات اداری" به دفتر حافظ منافع ایران در خاورمیانه انتقال داده شدند تا آنان را با توهین و تحقیر تشویق به بازگشت "داوطلبانه" بکنند. با تلاش و کمک گرفتن از رفقای عراق موقوف به یافتن وکیل مدافع شده و خوشبختانه وارد دیالوگ با کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان UNHCR شده و آنان نیز از وزارت خارجه کسب تکلیف نموده تا هیئتی را جهت دیدار بازداشت شدگان به محل نگهداری پناهجویان بفرستند. در این چند روز بار دیگر آنها را به دفتر حافظ منافع ایران در مصر انتقال داده و مجدداً تلاش کرده‌اند این پناهجویان اسنادی را به زور امضا کنند که بدلیل ابهامات زیاد و شکاکیت پناهجویان و ندانستن زبان عربی هنوز مشخص نیست که چه اوراقی امضا شده‌اند.

سعید خطیب زاده بعد از رسانه‌های شدن ماجرا از تلویزیونهای ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی به خود آمده و طی کنفرانس مطبوعاتی جدا از تعارفات دیپلماسی و چگونگی قرنطینه و پروسه اداری احتمالی این ماجرا به پذیرایی دفتر حافظ منافع ایران در قاهره به پناهجویان، اشاره نموده که اگر کسی رژیم فاشیست اسلامی را نشناسد در اولین نگاه تصور میکند فرش قرمز را پهن کرده‌اند و سه وعده غذای گرم را برای

زنده باد شوراها!

کمونیست هفتگی میپرسد:

"زنده باد شوراها" از شعارهای شناخته شده جنبش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست است. حزب ایجاد شوراها را در این دوره، چه بعنوان ابزار مبارزاتی و چه بعنوان ارگان اعمال اراده مستقیم توده کارگر و مردم زحمتکش گسترده تر تبلیغ میکند. چرا این شعار امروز بیش از هر دوره ای ضروری شده است؟ فراخوان و رهنمود حزب حکمتیست برای ایجاد شوراها چیست؟

سیاوش دانشور: تعلق به جنبش شورائی یکی از ویژگی ها و خصوصیات پایه ای و هویتی جنبش کمونیسم کارگری است که بسیار فراتر از حزب است. ما بعنوان کمونیست کارگری به سنت مبارزاتی شورائی در جنبش کارگری تعلق داریم. ما آن رگه ای در جنبش کارگری و کشمکش طبقاتی هستیم که بر اعمال اراده توده ای، بر سنت عمل مستقیم کارگری تاکید داریم. ما در مقابل دیگر سنت های مبارزاتی درون جنبش طبقه کارگر و الگوهای سازمانی مورد نظر آنها، در عین حال که از هر تلاش کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل از دولت حمایت میکنیم و تلاش میکنیم کارگران در اشکال مختلف قدرتمندتر و متشکل تر در مقابل کارفرمایان و سرمایه داران ظاهر شوند، بر عمل مستقیم کارگری و جنبش مجمع عمومی و ایجاد شوراها تاکید ویژه داریم. برای بسیاری از رگه های فکری در چپ و حتی گرایشات غیر سوسیالیستی در میان کارگران، شوراها ضرورتا نفی نمیشوند بلکه ادعا میشود که "شوراها مختص دوره انقلابی" است. ما به این نوع تقسیم بندی های کاذب قائل نیستیم. ما فکر نمی کنیم شورا بدرد دوره انقلابی میخورد و سندیکا برای دوره غیر انقلابی و معامله کارگر با کارفرما. این جدال گرایشات اجتماعی، جدال کمونیسم و ناسیونالیسم و رفرمیسم، جدال افق های متمایز طبقاتی در جامعه است که در جنبش کارگری نیز مابه ازای خود را دارند و بازتاب می یابند.

در دوره مورد اشاره شما بویژه قبل و بعد از رویدادهای دیماه، یک فراخوان ما ایجاد شوراها بوده است. شعار و خط تبلیغاتی ما این بوده:

"همه جا شوراها را برپا کنید! شورا امروز بعنوان ارگان اعمال اراده مستقیم توده ای، ارگان مبارزه و قیام، و فردا بعنوان ارگان حاکمیت!"

مبارزه توده ای سازمانیافته نیازمند مکانیزمها و ارگانها و ابزارهای خود ویژه است. نه فقط باید برسر هژمونی افق کمونیستی در مقیاس جامعه جنگید، نه فقط باید آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی را بعنوان یک انتخاب قدرتمند در مقیاس سراسری به صحنه آورد، نه فقط تحزب کمونیستی از ضروریات غیر قابل بحث و حیاتی برای پیشروی و پیروزی جنبش کمونیستی طبقه کارگر و حتی نفس سرنگونی ارتجاع اسلامی است، بلکه نهادهای توده ای که بخشهای مختلف مردم کارگر و زحمتکش و اردوی چپ و آزادیخواه را در هر گوشه جامعه اعم از

کارخانه و محله و شهر تا مقیاس منطقه و سراسری متحد و بجلو میراند، ضروری و مبرم هستند.

ده سال پیش عده ای می گفتند جامعه تغییرات بزرگی را از سر گذرانده است، اشکال مبارزاتی تغییر یافته اند، تحولات تکنولوژیک و ارتباطات موجب شده اند که اشکال "قدیم" دیگر کارساز نباشند. بحث

"انقلاب توتتری و انقلاب فیس بوکی" - که عمدتا از کودتاهای سازمان سیا تحت عنوان انقلاب مخملی استنتاج شده بود- تلاش داشت که همراه با برجسته کردن افق های راست و ضد کارگری، سنت های انقلابی و مبارزاتی کلاسیک را دفن کند. ضدیت با تحزب و تشکل را میان کارگران برده بودند و افراد و خودمحوری را تقدیس میکردند. بورژوازی در قلمرو اقتصاد پرچم فردیت و مالکیت خصوصی و سلطنت بازار آزاد را برافراشته بود و مثلا قرارداد دستجمعی کارگر با کارفرما را مغایر با "حقوق فردی کارگر" معنی میکرد. روشنفکران مرعوب دمکراسی و بازار نیز تقابل با تحزب و تشکل و "قدیمی" بودن آنها را تبلیغ میکردند و همه را به دنیای انزوا و افراد در شبکه ها فرامیخواندند. تردیدی نیست که فاکتورهای که روی شرایط مبارزه ما و طبقه ما تاثیر میگذارد را باید در نظر گرفت و بعنوان یک نیروی پیشرو و کمونیست که برای برپائی دنیائی متمایز تلاش میکند، مرتبا دستاوردهای جدید را در اشکال حضور سیاسی و مبارزاتی ترکیب و دخیل کرد. اما این بحث که طبقات و سنت های سیاسی و مبارزاتی و احزاب سیاسی حاصل از آنها یکباره دود میشوند و هوا میروند؛ و یا مثلا دوره احزاب سیاسی نمانده است و قدیمی اند، دیگر زیاده روی های تسلیم طلبانه دست راستی و شبه آنارشستی است که در دهه گذشته به وفور طرح شدند و بعد از دوره ای به حکم تحولات سیاسی و نیازهای واقعی و مادی مبارزاتی به فراموشی سپرده شدند.

شوراها ابزار و ظرفی هستند که میتوانند مردم معترض و سرنگونی طلب را متشکل کنند و بمیدان مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بیاورند. شوراها ظرفی هستند که میتوانند درون صفوف مردم انقلابی وحدت عمل بوجود بیاورند و اتحاد ایجاد شده را تقویت کنند. شوراها ارگانی هستند که میتوانند متناسب با نیازهای مبارزه انقلابی سازمان دفاع از خود را در مقابل نیروی سرکوب و اوباش اسلامی ایجاد کنند. شوراها ظرفی هستند که بعد از هر تظاهرات و اعتراض عنصر "خودبخودی" را به عنصر مبارزه آگاهانه و هدفمند ارتقا می دهند. شوراها آن ابزاری هستند که قدرت جمعی را معنی میکنند و مادیت می بخشند و در مقابل قدرت ضد توده کارگر و مردم زحمتکش سنگری بنا می کنند. شوراها آن ارگانی هستند که میتوانند بتدریج خلاء قدرت ایجاد شده و ناشی از ضعف و فروپاشی حکومت را پُر کنند و در روندی به یک قدرت دوگانه شکل دهند. شوراها آن نهادی هستند که انواع ابتکارات انقلابی را در مبارزه توده ای در خود جا می دهند و رهبری و هدایت می کنند. شوراها قدرت توده ای، قدرت پائین را اعمال می کنند و فی النفسه ضد قدرت قاهره و ضد حاکمیت مثنی اقلیت ناچیزند. شوراها در روند مبارزه برای سرنگونی ارگانهای بسیج و بمیدان کشیدن توده های وسیع تری به مبارزه اند، ارگان متحد کردن و متحد نگاه داشتن و ایجاد همبستگی وسیع طبقاتی اند. شوراها در سیر گسترش مبارزه توده ای به ارگان های قیام برای کسب قدرت بدل می شوند و در کنار دیگر ارکان

زنده باد شوراها ...

حاکمیت و سلطه سیاسی و اقتصادی بورژوازی خلق ید کنیم و قدرتی آلترناتیو را جایگزین کنیم. از نظر عملی در دوره انقلابی نسخه واحد و تدریجی و قدم بقدمی نمی تون طرح کرد. باید مطابق الزامات مبارزه طبقاتی و تناسب قوا پیش رفت. گاهی سرعت و شتاب اوضاع و تغییر تناسب قوا هر نسخه تدریجی و قدم بقدم از پیشی را بی خاصیت میکند. اصل اینست که باید نهادهای مبارزاتی متناسب با اوضاع امروز را ایجاد کرد. نهادها و ارگان هائی که از سنت عمل مستقیم و رادیکال کارگری سر بر می کنند و توانائی و قابلیت و ظرفیت آنها دارند که در مقیاس جامعه عمل رادیکال مبارزاتی را سازمان و جهت دهند. کارگران کمونیست و سوسیالیست و فعالین و رهبران عملی کارگران باید دست بکار شوند. باید از فرصت سوزی اجتناب کرد و مضمون و سنت مبارزاتی را چسبید. باید برای همه نوع ابتکار در قالب سنت شورائی منعطف بود و جا باز گذاشت. باید پتانسیل مبارزاتی کنونی را آگاهانه و با توجه به کمبودهای سازمانگرانه خیزشهای توده ای اخیر، به قالب شوراها و نهادهای انقلابی و ارگان های دفاع از خود و کنترل مستقیم توده ای برد. باید حضور و وجود شوراها را با شعارها و تاکتیک های انقلابی و مبارزاتی عملا نشان داد و الگوهای شوراها را در قلمروهای مختلف تکثیر و همگانی کرد.

شوراها باید به صف نه قاطع به کلیت جمهوری اسلامی، صف انقلابیون و آزادیخواهان در مقابل صف ارتجاع بورژوائی و گذشته پرستی بدل شود. فراخوان ما اینست که سنت مبارزه شورائی را در محل کار و زیست تحکیم و برای ایجاد شوراها دست بکار شویم. زنده باد اعمال قدرت و اعمال اراده مستقیم و مستمر کارگری و توده ای! زنده باد شوراها!

ضروری سازماندهی و رهبری مبارزه طبقاتی مانند حزب، یک رکن مهم قیام علیه حاکمیت منحوس بورژوازی اسلامی اند.

شوراها در محل کار و کارخانه ها ارگان تشکل توده ای کارگران، ارگان عقب راندن فعال مایشائی سرمایه داران، ارگان بیرون راندن و الغای نهادهای پلیسی و سرکوب بورژوازی، ارگان دخالت در امر تولید و قوانین و مقررات در کارخانه و ارگان کنترل کارگری اند. شوراها ارگان سازماندهی بریگاد کارگری برای دفاع از قدرت کارگران اند. شوراها سازمان کنترل بر تولید و توزیع نیازهای جامعه و پایه های اساسی قدرت حکومت کارگری اند. شوراها ارگان اساسی حاکمیت طبقه کارگر، ارگان قدرت سوسیالیستی بعنوان نظم نوین کارگری اند. حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی حکومت حزب یا حکومت احزاب نیست، حکومت شوراها است. شوراها در فردای پیروزی کارگری بر بورژوازی سازمان حکومتی اداره جامعه اند.

حزب کمونیست کارگری - حکمیتست با شعار؛ "همه جا شوراها را برپا کنید" با اتکا به وجود عینی یک گرایش رادیکال درون طبقه کارگر و در جامعه، به آن سازمان ضروری مبارزاتی و بسیج کننده و متحد کننده شکل دهد که نیروی انقلابی و کارگری را در مقیاس وسیع به صحنه آورد و در صحنه نگاهدارد. اپوزیسیون بورژوائی تلاش میکند قدرت را با بند و بست دست بدست کند، اساس ماشین دولتی بورژوائی را نگاهدارد و در فردای سرنگونی علیه طبقه کارگر و اردوی انقلابی بکار گیرد. ما بعنوان کمونیست کارگری و فعالین جنبش شورائی میخواهیم از

کارگران در اعتراضات

به مجمع عمومی متکی شوید!

جنبش مجمع عمومی کارگری را گسترش دهید!

جهان بدون فراخوان

سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلاپی تبدیل

میشود!

منصور حکمت



دولت را موظف کنیم:

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفته با کاهش ساعات کار باشد!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گرد، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!